

حصارکشی: تحلیلی بر دوگانگی نشاتگان حصار و حصارکشی در میان مردم سوادکوه مازندران*

منوچهر علی نژاد^۱، عزت‌الله فریدنیا^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۴

چکیده

در قدیم مردم برای حفاظت از خود و تأمین امنیت، دور شهرها حصار می‌کشیدند، اما با گذشت زمان و در دهه‌های اخیر، فرهنگ جدایی‌گزینی اجتماعی و خصوصی‌سازی، فرم و محتوای حصارها را تغییر داده و آن را با مزروعی شخصی، باغ ویلا و منازل خصوصی گره زده است. هدف این پژوهش، تأملی جامعه‌شناختی بر دوگانگی نشانه‌شناختی حصار و حصارکشی در میان مردم سوادکوه استان مازندران است تا بتوان به فهم معنای اجتماعی از یک سازه فیزیکی دست یافت. روش مورد استفاده در این تحقیق، کیفی و مردم‌نگاری انتقادی است و بیست نفر از شهروندان سوادکوه به شیوه نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و با آن‌ها مصاحبه شد. نتایج این تحقیق نشان‌دهنده دوگانگی و استحاله معنایی حصار و حصارکشی در شهر سوادکوه است و با رویکرد نشانه‌شناختی و تصور از شهر در قالب دو مضمون اصلی «حصارکشی به مثابه مظهر زیست سنتی و هویت‌بخش» و «حصارکشی به عنوان مظهر غلبه ارزش‌های ابزاری مدرن، غریبگی و فردگرایی» مشخص شد. مقوله‌های محوری در بحث حصارکشی شامل «فقدان یا محدودیت حصار در گذشته»، «حصار نشانه مرزبندی و مراقبت از محصول و زمین کشاورزی»، «مظهر امنیت»، «مظهر سادگی و فقر حیات روستایی» و همچنین «نشانه ارزش یافتن زمین»، «مظهر مدرن‌شدگی و تفکیک»، «مظهر عقلانیت و شخصی‌سازی حریم» و «مظهر آسیب‌شناختی و بدبینی اجتماعی» هستند. در نهایت این دوگانگی در سازه‌ها و نمادهای شهری تصویری از دوگانگی و نابرابری فضایی و اجتماعی در گستره وسیع محیط شهری دارد.

واژه‌های کلیدی: ارزش‌های ابزاری، حصار، حصارکشی، زیست سنتی، سوادکوه، نشانه‌شناسی

* مقاله علمی-پژوهشی، مستخرج از تحقیق مستقل با همین عنوان

^۱ استادیار و عضو هیئت‌علمی گروه تعاون و رفاه اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران (نویسنده مسئول).

m.alinejad@yazd.ac.ir

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران، ezzat_faridnia@yahoo.com

Journal of Community Development

(Rural and Urban Communities)

Vol. 13, No. 2, Autumn and Winter 2022

Fencing: An Analysis of the Duality of Fence and Fencing Syndrome among in Savadkuh- Mazandaran *

Manouchehr Ali Nejad¹, Ezatullah Faridnia²

Received December 16, 2022

Accepted March 15, 2023

Abstract

In the past, people built fences around cities to protect themselves and provide security. But over time and in recent decades, the culture of social segregation and privatization has changed the form and content of fences, tying them to private farms, villa gardens, and private homes. The aim of this sociological study is to examine the semiotic duality of fence and enclosure among the residents of Savadkuh in Mazandaran province in order to understand the social meaning of a physical structure. The method used in this study is qualitative and critical ethnography. Twenty citizens of Savadkuh were selected and interviewed randomly. The results of this study show the duality and semantic transformation of fencing in Savadkuh and with a semiotic approach and perception of the city in terms of two main themes: 1. "Fencing as a biological and identity manifestation" and 2. "Fencing as a manifestation of the dominance of modern instrumental values, alienation and individualism." The central categories in the discussion of fencing include "the absence or limitation of fencing in the past", "the fence as a sign of demarcation and care of agricultural land and product", "the manifestation of security", "the manifestation of simplicity and poverty of rural life" and also "the fence as a sign of land value", "manifestations of modernization and segregation", "manifestations of rationality and personalization of privacy" and "manifestations of pathology and social pessimism". Finally, this duality in urban structures and symbols reveals a picture of spatial and social duality and inequality in a variety of urban environments.

Keywords: Fence, Fencing, Semiotics, Traditional Biology, Instrumental Values, Savadkuh.

* Scientific-research article, extracted from independent research with the same title

¹. Assistant Professor and Faculty Member of the Department of Cooperatives and Social Welfare, Yazd University, Yazd, Iran (Corresponding author), m.alinejad@yazd.ac.ir

². Master student of Social Science Research, Yazd University, Yazd, Iran, ezzat_faridnia@yahoo.com

مقدمه و طرح مسئله

در قدیم شهرها به منظور حفاظت از ساکنان و مایملک آنها، دارای دیوار و دروازه بودند (حبیبی، ۱۳۹۷). جوامعی با دروازه ورودی اختصاصی و دیوارها یا نرده‌هایی به دور آن، جوامع دروازه‌دار نامیده می‌شدند (کانگ گیم^۱، ۲۰۰۶). بلیکلی (۱۹۹۷) جوامع دروازه‌دار را مناطق مسکونی تعریف می‌کند که با هدف کنترل دسترسی‌ها، دارای فضای عمومی خصوصی شده هستند.

مطالعات نشان می‌دهد در گذشته‌های بسیار دور، روستاها دارای حصار و دیوار بودند که نشانگر قلمرو و امنیت برای کل روستا بوده است. به مرور زمان حصاری که یک زمانی امنیت کل روستا را تأمین می‌کرد، از دور روستاها برچیده و به حصار دور منازل و مزارع کشیده شد که به مالکیت و قلمرو خصوصی و امنیت فردی و خانوادگی تبدیل شد (حصاری ۱۳۹۲). در سوادکوه هم قلعه‌هایی وجود داشته که هرکدام کارکردهای خاصی از جمله تأمین امنیت، مراقبت و جنبه آیینی داشتند و در ارتفاعات و بالای تپه‌ها ساخته شده بودند؛ مانند قلعه دیدبانی «تلم سنگ» با کارکرد امنیتی و قلعه نگهبانی «باجگیران یا دیو سفید» با کارکرد دیدبانی و قلعه آیینی «کنگلو» در ارتفاع ۱۸۱۰ متری از سطح دریا بنا شده بود (باوند سوادکوهی، ۱۳۸۲). واضح است که در ریخت‌شناسی شهری ایران دژ حکومتی مانند حصاری با دیوارهای مستحکم و ضخیم و با ویژگی امنیتی-حفاظتی، از ملزومات شهرهای ایران بوده است (شارع‌پور، ۱۳۹۴: ۶۱).

در دوره مدرن، حصار و حصارکشی همسو با ارزش‌های سرمایه‌دارانه در شهرها و محله‌های شهری گسترش یافتند. ایجاد محله‌های حصارکشی شده، با رواج فرهنگ جدایی‌گزینی اجتماعی و خصوصی‌سازی افزایش یافته است. این محله‌ها بیشتر برای حفاظت ساکنان از مزاحمت مجرمان بیرونی شکل گرفتند. گاهی نیز برای جلوگیری از تهدیدات امنیتی به وجود آمده‌اند. در مواردی این حصارها و دروازه‌ها بیشتر جنبه سمبلیک و زیبایی‌شناختی داشته‌اند و برای ایجاد تشخص به کار رفته‌اند. در این صورت دروازه‌های گران‌قیمت نصب می‌شد و حصار آن تنها قسمتی از محله را پوشش می‌داد (جلالیان و همکاران، ۱۳۹۴). در مجتمع‌های مسکونی امروزی، دیوار و حصار نشان‌دهنده قلمرو و امنیت است. هالبر^۲ (۲۰۰۱) دریافت که دلیل انتخاب مجتمع مسکونی دروازه‌دار برای سکونت، در درجه اول احساس امنیت از زندگی در این محیط است (کانگ گیم،

^۱. Kyungkim

^۲. Halber

۲۰۰۶). حصارها به لحاظ فرم و محتوا متفاوت بودند و درحالی که در مناطق شمال ایران مانند سوادکوه به جهت وجود جنگل و درختان زیاد از چوب برای حصارکشی استفاده می شد، در سایر مناطق ایران مصالح به کاررفته بیشتر خشت خام و سنگ و ماده چسباننده خشت ها و چینه ها بوده است (ملک شهیرزادی، ۱۳۹۱). حصارها معمولاً ساختار ساده ای دارند که برای محدودکردن یا جلوگیری از حرکت در سراسر مرز طراحی شده اند. حصارها همچنین می توانند نمادی از امنیت، آرامش و مالکیت باشند.

در ایران نقش و کاربری زمین در دوره معاصر با تغییر بنیان های سبک زندگی در مقیاس شهری و توسعه سریع شهرنشینی عوض شده است. در گذشته های دور حصار فقط نماد و نشانی بود که مرزی را مشخص می کرد که به آن «سنگ نشان» می گفتند، اما تغییر سبک زندگی امروزی، حصارکشی زمین های کشاورزی، تغییر کاربری آن ها به قطعات کوچک تر و فروش آن ها به غیربومی ها، سبب تغییر عمده ای در حصارکشی های شهری و روستایی از جمله در سوادکوه شد. در واقع حصار که روزی فقط نماد و نشان مرز زمین های کشاورزی و احشام بود، امروزه نماد تفکیک و جدایی گزینی و حفظ مالکیت خصوصی شده است. ورود غیربومی و نمایش سبک زندگی مصرف گرایی و اجرای ناموفق طرح جامع صیانت از جنگل های شمال کشور و خارج شدن دام ها از جنگل، سبب تغییرات عمده ای در حصارهای خانه ها و زمین های کشاورزی شد و دیوار بلوکی و دیوار سنگی جایگزین آن ها شد؛ بنابراین نبود حصار مناسب مراتع و نبود زمین برای چرای دام و تغییر کاربری بسیاری از زمین های کشاورزی به مسکونی، دیوارکشی زمین ها و تفکیک آن ها، ورود و خرید بی رویه غیربومی ها و تغییر ساختار ساخت و ساز، و دیوارکشی و حصاربندی متفاوت با فرهنگ منطقه سبب شد که فرهنگ دامداری و کشاورزی رنگ ببازد و به حصارکشی برای تقطیع زمین و فروش به غیربومی ها یا بومی های نسل جدید تغییر یابد.

مسئله حائز اهمیت در این مقاله تغییر در نشانه ها و فهم حصارکشی در گذر زمان است؛ تغییراتی که با خود مسائل اجتماعی متعددی را سبب شده است. بر این اساس امروزه مفهوم حصار به معنای سابق خود که مشخص کننده حدود مرز بوده، به سمت مفاهیمی نظیر امنیت، مالکیت، حفظ قلمرو فردی و خصوصی، محافظت از جرم و جنایت و مفاهیم مرتبط با آن را نیز تغییر یافته است. مفاهیمی که نشان از دوگانگی معنایی و نشانه شناختی آن دارد. واقعیت این

است که تغییرات ایجادشده در سبک زندگی مردم سوادکوه، با تغییراتی در نظام مالکیت، حصارکشی، تفکیک اراضی و ناهماهنگی بصری نشان از تغییراتی مهم دارد که در این تحقیق به دنبال درک، تبیین و تشریح آن هستیم. مسئله اصلی در این تحقیق، توصیف و درک چستی حصار و چرایی حصارکشی و خاستگاه‌های اجتماعی و فرهنگی برخاسته از آن است. اینکه حصار و حصارکشی در گذشته و در حال حاضر در میان مردم سوادکوه چگونه درک و تحلیل می‌شود و دوگانگی‌های نشانه‌شناختی آن چگونه قابل درک و تبیین است.

پیشینه تحقیق

جلالیان و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان «واکاوی نقش حصار و دروازه در امنیت‌بخشی به مجتمع‌های مسکونی، نمونه موردی: مجتمع‌های مسکونی شهر همدان»، امنیت مجتمع‌های مسکونی دارای حصار و دروازه و بدون حصار و دروازه را برحسب تجربه جرم ساکنان بررسی کردند. نمونه‌های مطالعاتی در این تحقیق، از میان مجتمع‌های مسکونی شهر همدان به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. این پژوهش با دو راهبرد کیفی و کمی انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده نبود رابطه معنادار بین حصار و دروازه، و امنیت نمونه‌های مطالعاتی است. همچنین تفاوت معناداری بین امنیت مجتمع‌های مسکونی دارای حصار و دروازه، و بدون حصار و دروازه همدان یافت نشد. کنکاش پیرامون یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که ویژگی‌های کالبدی حصارها و دروازه‌ها و عادت‌های رفتاری مردم به‌عنوان یک عامل فرهنگی، از مهم‌ترین دلایل نقش کم‌رنگ دروازه‌ها و حصارها در امنیت‌بخشی به مجتمع‌های مسکونی همدان است.

مختاباد، محمدیارزاده و شمس‌الهی (۱۳۸۸) پژوهشی با عنوان «جستاری بر انسان‌شناسی، نشانه‌شناسی شهری و نقش آن در خوانایی فضاها شهری (موردکاوی: شهر اصفهان)» انجام دادند. این مطالعه با هدف بررسی عوامل مؤثر در شکل‌گیری ذهنیت شهروندان و تقویت خوانایی و نمایانی در شهر اصفهان به شیوه کیفی در میان شهروندان اصفهانی صورت گرفت. نتایج مطالعه نشان داد نشانه‌هایی که از لحاظ مکانی در موقعیتی واقع شدند که مرتب در مقابل دید مردم هستند و هر روز با آن نشانه‌ها روبه‌رو می‌شوند، در خوانایی و شکل‌گیری سیمای شهر در ذهن، مؤثرتر عمل می‌کنند. همچنین میان دو بافت قدیم و جدید شهر اصفهان، از لحاظ ویژگی‌های گرافیکی و زیباشناختی تفاوت مشهود است. رودخانه زاینده‌رود مهم‌ترین نقش را در

شکل‌گیری سیمای شهر در ذهن شهروندان نسبت به سایر نشانه‌ها دارد که البته حضور نشانه‌های نمادین مانند سی‌وسه‌پل و پل خواجه‌این نقش را تقویت کرده‌اند.

سلطانی و مزینی (۱۳۸۸) در مطالعه خود با عنوان «بررسی نقش محله‌های دروازه‌دار در ارتقای احساس امنیت ساکنان (مطالعه موردی: شهر شیراز)» به بررسی نقش جوامع دروازه‌دار در ارتقای احساس امنیت ساکنان ناحیه‌های شهری شهر فارس پرداختند. روش مورد استفاده در این تحقیق، کمی بود که در دو ناحیه متفاوت در شهر شیراز و مشتمل بر انتخاب تعداد هشت مجتمع مسکونی دروازه‌دار انجام شد. نتایج نشان داد جوامع دروازه‌دار در صورتی که با نظارت رسمی همراه باشند، به میزان قابل توجهی در افزایش احساس امنیت ساکنان مؤثر هستند. احساس امنیت در بین ساکنان آن‌ها، به‌طور مستقیم از سطح کنترل رسمی ورودی و خروجی‌ها و عوامل اجتماعی مانند همبستگی اجتماعی، روابط بین همسایه‌ها و حس تعلق به جامعه محلی تأثیر می‌پذیرد.

مورتن (۲۰۱۹) تحقیقی با عنوان «روبه‌روی حصار: تولید و عملکرد مرز هیمالیا در زمینه‌های جهانی» انجام داد. او در این مقاله با تجزیه و تحلیل در مرز هیمالیا، بین نپال و چین ادعا کرد که رژیم‌های مرزی به‌عنوان فرایندهای سرزمینی، هویت‌های متمایز فرهنگی-اجتماعی و اقدامات اقتصادی سیاسی را کنترل می‌کنند. مورتن این استدلال را با نوشتن بیوگرافی مرزی درباره حصار ارائه داد. وی از قوم‌نگاری، قرائت تاریخ دیپلماتیک و تحلیل سیاست، برای بررسی تحولات سیاسی-اجتماعی در مرز نپال و چین در طول زمان استفاده کرد. بیوگرافی مرزی درباره حصار نشان داد چگونه مرزها، تصمیم‌گیری، غیرمادی و صورت خارجی به خود می‌گیرند و هویت جمعیت‌های محلی و تخیلات جغرافیایی چگونه تحت تأثیر مرز قرار می‌گیرند و جهت‌گیری می‌شوند. این مطالعه، چگونگی شکل‌گیری و نگهداری زندگی مرزی با مرزها و آن سوی مرزها را نشان داد.

بررسی پیشینه مطالعات نشان می‌دهد جهت‌گیری این نوع مطالعات بیشتر کالبدی، فضایی و جغرافیایی بوده و به ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی و همچنین جنبه‌های آسیب‌شناختی و نشانه‌شناختی تغییرات کمتر توجه شده است. در این راستا، در تحقیق حاضر به بررسی جنبه‌های از حصارکشی که مورد غفلت واقع شده و در عین حال حائز اهمیت است، پرداخته می‌شود.

چارچوب مفهومی

در چارچوب مفهومی تلاش شده تا خط ترسیم رویکردهای نظری در زمینه حصارکشی از تعریف‌گرایی و تصور از شهر به‌مثابه عرصه کنش معنادار و نمادین، رویکرد بوم‌شناسی موسوم به نواحی طبیعی و نحوه انطباق انسان با محیط شهری، «تصور از شهر»^۱ در اندیشه کوین لینچ و «تولید مکان» هنری لوفور^۲، «مکان شهر» ادوارد سوژا^۳ و «مکان امید» دیوید هاروی^۴ ادامه می‌یابد.

با پارادایم تعریف‌گرایی و نظریه کنش متقابل نمادین به‌ویژه از دیدگاه ماکس وبر، تعریف از شهر براساس یک نمونه آرمانی و ایدئال مدلسازی شده است. به اعتقاد او شهر ترکیبی از قلعه و بازار بوده و مناسبات اجتماعی انسان‌ها هم برحسب وظایف و روابط آن‌ها در ارتباط با نگهداری از استحکامات، نگهبانی و دفاع از سکونتگاه تعریف شده است (شارع‌پور، ۱۳۹۴: ۱۴۰). در واقع با دریافت وبری از شهر در دوره ماقبل صنعتی، مناسبات اجتماعی افراد در ارتباط با هم، به بازار و استحکامات درون آن به‌شدت وابسته بوده است. از این‌رو در این تلقی، حصارها تنها تعیین‌کننده مرزبندی‌های فیزیکی و امنیتی نبوده، بلکه مبنای مناسبات اجتماعی مبتنی بر حفظ، نگهداری و روابط برخاسته از آن بوده است.

بوم‌شناسی انسانی از دیگر رویکردهایی است که در آن حصار و حصارکشی از ویژگی‌های تطبیقی زیست جمعی مردم بوده است. در این رویکرد، شرایط زندگی مردم از انطباق و تطبیق با شرایط محیطی برخاسته است. این رویکرد به مطالعه آثار اجتماعی محیط و روابط بین انسان و محیط‌زیست می‌پردازد که به شکل‌گیری الگوهای رفتاری قابل‌انطباق و سازگارانه بین انسان و محیط‌زیست می‌انجامد. روستا یا شهر در این رویکرد مانند سیستم پویایی از «بوم‌روستا» یا «بوم‌شهر» در نظر گرفته می‌شود (شیبانی و ابطحی، ۱۳۹۹) که توالی کسب‌وکارها و رقابت به تغییرات اساسی در آن منجر می‌شود (شارع‌پور، ۱۳۹۴). در این رویکرد، حصار مانند سیستم طبیعی، محصول فرایند تطبیقی انسان‌ها با محیط اطراف خود در شهر بوده که با تغییرات انطباقی دچار تغییرات در شکل، سایز و اندازه و اهداف خود شده است.

1. The Image of the City

2. Henri Lefebvre

3. Edward W. Soja

4. David Harvey

از دیگر رویکردهای نظری مرتبط، نظریه کوین لینچ^۱ است. لینچ در مطالعات خود در پی آن بوده که بفهمد ادراک و تصور مردم از بعد فیزیکی شهر تابع چه عواملی است. وی از طریق مصاحبه با افراد درباره ماهیت و چگونگی تصویر ذهنی خود از شهر و فضاهای فیزیکی شهر به مفهوم «تصویر ذهنی تعمیم یافته» دست یافته است. این مفهوم از آن حیث حائز اهمیت است که جنبه پدیدارشناختی و تفهیمی دارد و می تواند تبیین گر نظری مناسب در فهم معنای حصار و حصارکشی تلقی شود. برای لینچ مسئله حائز اهمیت، تصویر ذهنی شهرها و مؤلفه های شهری نظیر مسیرها، لبه ها، ناحیه ها، گره ها و نشانه های برجسته^۲ شهری از منظر مردم و ساکنان شهرها است. در این دیدگاه، حصار و حصارکشی مانند لبه ها عمل می کنند که نقش جداسازی و مرزبندی شهر از حواشی شهری را ایفا می کند. علاوه بر این، حصارها به یک معنی به مثابه نشانه هایی برجسته عمل می کنند که یکی از مهم ترین ویژگی های آن ها، دوگانگی چنین فضاها و سازه های شهری است. لوفلند نیز در تحلیل خود از شهر، مفهوم دنیایی غریبه ها، نشانه های ظاهری و خصوصی شدن اماکن عمومی را مطرح کرده که در آن می توان حصار و حصارکشی ها را مانند نشانه های تصویری^۳ بر ساخت کرد که بین مردم محلی و غریبه ها مرزبندی ایجاد می کند و سبب ایجاد فاصله اجتماعی شده است (علی نژاد، مرشدی، ۱۴۰۰)؛ از این رو شکل، ظاهر و موقعیت قرارگیری و ماهیت فیزیکی حصارها، مرزهای غریبه ها و افراد بومی را به صورت ناخودآگاه القا می کند.

در رویکرد نشانه شناسی، معنای یک نشانه براساس فعالیت آن تأیید نمی شود، بلکه در زمینه فرهنگی و در قلمرو رفتار اجتماعی مشخص می شود. در نشانه شناسی با تفسیر بیان حاصل از فرم های معماری، تدوین و دسته بندی کردن آن ها و تبدیل هر عنصر به یک ابزار ارتباطی، می تواند به معنایی در ارتباط با اثر معماری دست یابد. در نشانه شناسی با نظامی از نشانه سروکار داریم. نشانه شناسی شهری با تحمیل معنا بر سازه، به دنبال درک تفاوت ها و تشخیص و هویت بخشی به سازه براساس درک و تفسیر نشانگان معنایی صورت می گیرد. نشانه شناسی اجتماعی به عنوان بخشی از نشانه شناسی شهری، با انتقاد از رویکرد جغرافیایی و کالبدی به شهر معتقد

1. Kevin Lynch

2. Land Marks

3. Visual clues

است تصویر شهر به‌وسیله حافظه تاریخی جمعی و فردی شهروندان شکل می‌گیرد و مکان‌های مختلف آن به یکدیگر متصل می‌شوند (سخاوت‌دوست و البرزی، ۱۳۹۸: ۴۸).

ونسا باهر^۱ در اثر خود با عنوان حصار، محدودیت فیزیکی یا اجتماعی از حصار را به‌صورت دو رویکرد درباره حصارها مطرح می‌کند: ۱. حصار به‌مثابه فیزیک؛ ۲. حصار به‌مثابه متافیزیک اجتماعی-فرهنگی و معنایی. از نظر ایشان مفهوم حصار با جدایی‌گزینی و تفکیک همراه است، اما در رویکرد فیزیکی، این تفکیک در قالب مرزها و حریم فیزیکی و قانونی نشان داده می‌شود (باهر، ۲۰۱۸: ۶). به نظر می‌رسد مفهوم حصار با بار اجتماعی و فرهنگی، بیشتر بر برجسته‌سازی مرزهای فرهنگی و غریبگی دلالت دارد تا مرزهای صرفاً فیزیکی و ایمنی. هنری لوفور در اثر خود با عنوان تولید مکان^۲ با تمایز بین سه مفهوم «مکان عادی» و «بازنمایی‌های مکانی» و «مکان بازنمایی» نشان داد چگونه تعبیر مهندسی نخبه‌گرایانه و شهرسازانه معنی مکان در شهر را تغییر داده و سبب نقل مکان در معنای شهری شده است. تخریب خانه‌های کلنگی و جایگزینی آن با خانه‌های شهری و مدرن‌تر، موجب نقل مکان افراد بومی و فقرا از خانه‌های خود شده است. در نتیجه شهر غالباً با علاقه طبقات متوسط و بالا به‌سمت اشرافی‌کردن شهر منطبق می‌شود؛ مسئله‌ای که ادوارد سوژا با طرح سه مکان شهری دیالکتیکی، مکان اول را یک مکان فیزیکی، مکان دوم را مربوط به تصویری درباره مکان و مکان سوم را تلفیقی از آن دو دانسته است که با تجربه زیسته شهروندان ساخته می‌شود یا مفهوم مکان‌های امید^۳ دیوید هاروی که در آن معتقد است شهرها مکان‌هایی خنثی نیستند، بلکه مکان مبارزه طبقاتی و بازوی اجرایی نیازهای بورژوازی هستند که در آن شهر تداعی‌کننده نابرابری جغرافیای انباشت سرمایه در شهر است (ریتزر، ۱۳۹۶: ۴۲۰-۴۲۶).

به‌طورکلی در چارچوب نظری سعی شد دلالت‌های کنشی، تصویر ذهنی از حصارهای شهری و دوگانگی‌های معنایی فیزیکی-غیرفیزیکی از حصارسازی برجسته شود. در این چارچوب فرض بر نوعی دوگانگی‌های معنایی و نشانه‌شناختی حصار بود که در سؤالات تحقیق به‌دنبال تبیین چرایی‌ها و پاسخگویی به آن است. سؤالاتی که در این مقاله مطرح می‌شود این

1. Vanessa Baehrer

2. The Production of Space

3. Space of Hope

است که وضعیت حصارکشی در سوادکوه چگونه است، مردم این وضعیت را چگونه درک و تحلیل می‌کنند و دوگانگی نشانه‌شناختی مفهوم حصارکشی چگونه قابل درک و تفسیر است.

روش تحقیق

روش استفاده‌شده در این تحقیق، کیفی و مردم‌نگارانه انتقادی است که با استفاده از ابزار مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته، در محیط میدان شهرستان سوادکوه انجام شده است. در مردم‌نگاری انتقادی سعی شده تا با ترکیبی از رویکرد روشی امیک و اتیک، هم دیدگاه‌های مردم احصا شود و هم ماهیت دوگانگی نشانه‌شناختی حصار و حصارکشی تبیین شود. اسپرادللی بیان می‌کند که هسته بنیادی روش مردم‌نگاری، توجه به کنش‌ها و رویدادها در بین مردم برای درک آن‌ها است. مدل امیک مدلی است که ایده‌ها یا رفتار اعضای یک فرهنگ را براساس تعاریف یا نقطه‌نظرهای بومی از آن‌ها تبیین می‌کند. در مقابل، مدل اتیک بر معیارهای خارج از یک فرهنگ خاص استوار است و از نظر غیربومی به تبیین آن فرهنگ می‌پردازد (محمدپور، ۱۳۸۹: ۲۱۲). برای این منظور، ابتدا به توصیف فرجه از جامعه مورد مطالعه و ویژگی‌های حصارکشی پرداخته شده که در آن ضمن توصیف چیستی و ماهیت انواع حصارها، پیچیدگی تعاملات اجتماعی ناشی از حصارها ترسیم شده است. در مرحله بعد به تبیین از طریق خط داستان استقراشده از انواع مضامین برای دستیابی به مضمون اصلی پیش رفته است. جامعه آماری این تحقیق، کلیه ساکنان شهرستان سوادکوه است که در آن براساس نمونه‌گیری هدفمند و در دسترس، بیست نفر از شهروندان سوادکوهی انتخاب شدند و براساس اصل اشباع‌شدگی^۱، مصاحبه ادامه یافت تا به مرحله بسندگی لازم دست یابد. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، تحلیل محتوای عرفی بوده و با استفاده از انواع مضامین فرعی و مضمون اصلی، مطالعه درباره ماهیت اجتماعی حصارکشی در سوادکوه صورت گرفته است.

^۱. Saturation

جدول ۱. ویژگی جمعیت‌شناختی افراد مشارکت‌کننده سوادکوه

ردیف	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
نام مستعار	آقای محمودی	مسلم	عادل	بابا محمد	مصطفی	احمد	رضا	علیرضا	جمشید	حسین
شغل	بنگاه‌دار	راننده آژانس	پنجرگیر	بازنشسته	مغازه‌دار	کشاورز	کشاورز	کشاورز	نقاش	کشاورز
مدت سکونت در محل (به سال)	۱۹	۱۳	۳۰	۳۵	۱۵	۱۰	۲۵	۳۵	۳۵	۳۱
ردیف	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
نام مستعار	مهدی	حیدرعلی	امید	امیر	اکبر	غلامحسین	حمید	مهندس مسعودی	بابا رضا	احمد
شغل	نجار	کشاورز	مغازه‌دار	شورای شهر	بیکار	بیکار	مغازه‌دار	معاونت خدمات شهری	بنا	دامدار
مدت سکونت در محل (به سال)	۱۵	۱۷	۸	۱۴	۱۱	۲۳	۹	۷	۹	۱۰

یافته‌ها

در این بخش به بررسی چیستی، توصیف و بیان ویژگی‌های حصار و حصارکشی و تنوع واژگانی مرتبط با آن که در شهرستان سوادکوه وجود داشته، پرداخته و به سؤالات توصیفی تحقیق پاسخ داده می‌شود. در توصیف فربه، به صرف بیان چیستی اکتفا نمی‌کنیم، بلکه به کارکردها، تأثیرات و تعاملات برخاسته از حصار و حصارکشی نیز می‌پردازیم.

از سنگ‌نشان تا دیوار چینه و بلوک به‌عنوان نماد تغییر

در گذشته حصارها در شهرستان سوادکوه با تعیین مرزهای دهستان‌ها، نگهداری از مزارع کشاورزی و مراقبت از دام‌ها مرتبط بوده است. شهر سوادکوه با پنج دهستان، شامل روستاها، مزارع و مکان‌هایی است که از گذشته‌های بسیار دور، محدوده جغرافیایی آن را با سنگ مشخص می‌کردند که اصطلاحاً به آن «سنگ‌نشان» می‌گفتند؛ به این شکل که هرکسی محدوده و مالکیت خود را روی زمینی که در آن کشت و زراعت کرده با سنگ مشخص می‌کرد. البته

امروزه سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور برای حفظ اراضی جنگلی حاشیه روستاها و برای تثبیت مالکیت اراضی منابع ملی و پیشگیری از تجاوز و تصرف این اراضی، به نصب بتن‌هایی به رنگ زرد فسفری و ازپیش‌ساخته با عنوان پنج‌مارک روی آورده که اصطلاحاً آن را کمربند حفاظتی می‌نامند (گودرزی، ۱۳۹۷). این سنگ‌نشان‌ها نماد حریم، محدوده، درآمد و مالکیت است. به محلی که با سنگ، نشان می‌کردند، در گویش سوادکوهی به آن «سامون» یا «هند» می‌گویند (محمدی، ۱۳۹۶). در سوادکوه شغل بیشتر مردم در کنار کاشت و زراعت، دامداری نیز بود (پهلوان، ۱۳۸۲). دامداران دام‌های خود را بیلاق و قشلاق می‌کردند. بدین منظور دامداران قبل از کوچ دام‌ها، برای مشخص کردن محدوده چرای دام‌های خود، مرزها را با حصارهایی از چوب مشخص می‌کردند؛ به این شکل که شاخ و برگ شاخه‌های محکم و قوی درختان هرس شده را از هم جدا می‌کردند و یک سمت چوب‌های بریده شده را با داس تیز می‌کردند. در گویش سوادکوهی به آن «پاهه چو» می‌گویند که در چپر بندی از آن استفاده شده است (پهلوان، ۱۳۸۲).

از سال ۱۳۴۲ به بعد با ازبین رفتن نظام ارباب-رعیتی، کشاورزی رونق فراوان گرفت، هریک از رعیت صاحب آن مقدار زمینی می‌شد که در دست داشت (مهدوی، ۱۳۹۱). مهم‌ترین و اولین کار، حفظ زمین‌های به‌دست‌آمده بود. کشت زمین رونق فراوانی گرفت و به مهم‌ترین منبع درآمد اقتصادی مردمی تبدیل شد (شکوئی، ۱۳۹۰)؛ از این‌رو برای حفظ این زمین‌ها، مشخص کردن محدوده‌ها و مرزهای زمین امری واجب بود تا هرکسی در محدوده زمین خودش امرارمعاش کند. مردم اهالی سوادکوه با الگوبرداری از «پر»، به ساخت «پرچیم» روی آوردند (نجف‌زاده بارفروش، ۱۳۶۸). زندگی در روستا و هجوم گاه‌وبیگاه حیوانات وحشی به زمین‌های کشاورزی سبب شد تا اهالی مردم سوادکوه به تغییراتی برای حفظ کاشت محصولات خود به‌کار ببندند (کولایان، ۱۳۹۲). یکی دیگر از کارهای آن‌ها، تغییر سازه و ساختار حصار پرچیم به حصاری محکم‌تر برای جلوگیری از ورود حیوانات وحشی به زمین‌های کشاورزی بود؛ بنابراین سیم خاردار و سیم‌های توری کم‌کم جایگزین پرچیم شد؛ به‌طوری‌که امروزه در روستاها حصارهای زیادی از این دست وجود دارد.

در گذشته‌های دور وضع و سبک خانه‌ها چه در جلگه و چه در کوهستان‌های سوادکوه به یک شکل بود. مردم اهالی سوادکوه با وجود طبقات اجتماعی و طبقات اقتصادی، زندگی تقریباً

مشابهی داشتند، اما کم‌کم به دلیل مسافرت‌ها به جاهای دیگر و مشاهده سبک‌های زندگی جدید و اختلافات قومی و ارثی، و حفظ مال و اموال، به حصار دور منازل روی آوردند و به جای پرچیم که حصار زمین‌های کشاورزی آن‌ها بود، به «دیوار چینه» که از گل ساخته می‌شود، روی آوردند. با تصویب طرح‌های شهری در دههٔ چهل شمسی، در مناطق شهری حصارها با سرعت بیشتری نسبت به روستاها تغییر شکل دادند که امروزه از دیوار بلوکی و دیوار سنگی با نمای سنگ یا کاشی دیده می‌شود. با توجه به اینکه نسل امروز حاضر به ادامهٔ کار در زمین‌های کشاورزی نیست و زمانی این زمین‌ها مهم‌ترین منبع درآمد اقتصادی سالیانهٔ آن‌ها بود، صاحبان آن‌ها برای تأمین سرمایه و تشکیل زندگی فرزندان خود مجبور بودند زمین‌هایشان را به مردم غیروومی بفروشند. زمانی ارزش زمین به تولید محصول آن بود، ولی امروزه ارزش زمین‌های مردم اهالی روستایی سوادکوه به قیمت خرید غیروومی‌ها است و حضور غیروومی‌ها سبب ساخت‌وساز بی‌رویه و خارج از آداب و رسوم روستایی شد.

در ادامه به ترسیم دوگانگی نشانه‌شناختی منتج از استقرار در قالب خط داستان پرداخته شده و طرحوارهٔ نظری مدل تحقیق ترسیم شده است. البته ماهیت این تبیین تفهیمی است و تلاش شده تا به درک و تفسیر موضوع پرداخته شود. در سؤال اصلی این تحقیق، به بررسی و نشانه‌شناسی دوگانگی‌های مفهومی حصار و حصارکشی پرداخته شده است. در این پژوهش دو مضمون اصلی از مجموع کدهای باز، فرعی، اصلی و محوری استخراج شده که عبارت‌اند از: ۱. حصارکشی مظهر شیوهٔ زیست‌سستی و هویت‌بخش؛ ۲. حصارکشی به‌مثابهٔ مظهر غلبهٔ ارزش‌های ایزاری مدرن، غریبگی و فردگرایی.

جدول ۲. دوگانگی نشانگان حصارکشی

مفاهیم	مضامین فرعی	مضامین اصلی
نبود حصار در گذشته	فقدان یا محدودیت حصار در گذشته	حصارکشی به‌مثابهٔ مظهر شیوهٔ زیست‌سستی و هویت‌بخش
حصار واقعهٔ دوران اخیر		
حصار مظهر تعیین حد و حدود زمین	نشانهٔ مرزبندی و مراقبت از محصول و زمین کشاورزی	
نشانهٔ مراقبت از محصول		
حفظ زمین‌ها و کاشت باغ		
حصار مظهر امنیت و سیستم دفاعی	مظهر امنیت	

ادامه جدول ۲. دوگانگی نشانگان حصارکشی

مفاهیم	مضامین فرعی	مضامین اصلی
تفکیک حریم انسان‌ها از حیوانات اهلی و وحشی		
نشانه فقر و سادگی روستایی	نشانه سادگی و فقر حیات روستایی	
نماد کشاورزی		
انتقال از پرچین به حصار و انتقال از مراقبت از حیوانات به حریم انسان‌ها		
حصار به مثابه پرچین با شاخ و برگ		
نشانه ارزش یافتن زمین	نشانه ارزش یافتن زمین	حصارکشی به مثابه مظهر غلبه ارزش‌های ابزاری مدرن، غریبگی و فردگرایی
نشانه تأثیرپذیری از شهر	مظهر مدرن‌شدگی و تفکیک	
نماد چشم و هم‌چشمی		
نماد ورود غریبه‌ها		
نشانه فردگرایی، تشخیص و حفظ منافع شخصی		
نشانه دنیاگرایی		
نشانه مدرن‌شدگی		
نشانه قانون‌گرایی و تعریف حریم شخصی		
نشانه افزایش بی‌اعتمادی اجتماعی	مظهر آسیب‌شناختی و بدبینی	
نماد افزایش جرم و جنایت		
نشانه نگرانی از تعرض		
القای بد فرهنگ		
مظهر فقر و نابرابری		

منبع: یافته‌های پژوهش

• حصارکشی به مثابه نشانه شیوه زیست سنتی و هویت‌بخش

مطالعات انجام‌شده در زمینه تاریخ سوادکوه مانند مطالعات گودرزی (۱۳۹۷)، محمدی (۱۳۹۶) و پهلوان (۱۳۸۲) و نتایج مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که حصار و حصارکشی با حافظه تاریخی،

شیوه زندگی و هویت مردم منطقه مرتبط بوده است. بر این اساس مقوله اصلی، حصارکشی به مثابه شیوه زیست سنتی و هویت‌بخش تعریف شد. این مقوله با مؤلفه‌هایی نظیر «فقدان یا محدودیت حصار در گذشته»، «نشانه مرزبندی و مراقبت از محصول و زمین کشاورزی»، «مظهر امنیت» و «نشانه سادگی و فقر حیات روستایی» مشخص شده‌اند.

○ فقدان یا محدودیت حصار در گذشته

فقدان یا محدودیت حصار در گذشته با نبود اهمیت و بی‌توجهی به حصار، به شکل امروزی در سوادکوه دلالت دارد و بیشتر شهروندان به آن اقرار کردند. بر این اساس یکی از افراد محلی به نام احمد معتقد بود: «یادم می‌آید تو گذشته حصاری وجود نداشت و همه مردم از حیاط همدیگه رفت‌وآمد می‌کردن.»

یا رضا با تشریح وضعیت زندگی بیلاق و قشلاق در گذشته سوادکوه اظهار داشت: «اون‌طور که خودم یادم می‌آید تو کودکی ما بیلاق و قشلاق می‌کردیم. تابستون بیلاق می‌رفتیم. تو بیلاق یا روستا اطراف منازلمون حصار به معنای امروزی نبود؛ بیشتر پرچین بود؛ اونم نه برای جلوگیری از رفت‌وآمد مردم، بلکه برای جلوگیری از ورود حیوانات وحشی و اینکه حدود مشخص باشه، ولی غیر تابستون تو شهر بودیم. دیوار به معنای امروزی هم نبود. خیلی از دیوارها قدکوتاه بود و دزدگیری در کار نبود، اما از پدر و مادر و مادربزرگ و پدربزرگم شنیدم که دوره اونا اصلاً حصاری حتی دور خونه‌ها نبود.»

واقعیت این است که براساس نتایج برآمده از مصاحبه‌ها، حصار در گذشته بسیار محدود بوده یا وجود نداشته است. و درنهایت می‌توانست سنگ‌نشانی باشد که مرزهای فیزیکی روستاها و آبادی‌ها را تعیین کرده است.

○ نشانه مرزبندی و مراقبت از محصول و زمین کشاورزی

یکی از مضامین مهم در بحث حصارها، استفاده از آن برای مرزبندی و مراقبت از محصول بوده است. درواقع در گذشته حصار سنگ‌نشان یا شیوه‌ای برای تعیین مرز بوده و جنبه مراقبتی داشته که به تدریج تغییر یافته است.

عمو حسن با تأکید بر مسئله اجتماعی محرم و نامحرم، مسئله حصارها را به گونه‌ای متفاوت می‌دید و معتقد بود:

«زمین‌های زراعی تو قالب مزارع بزرگ که متعلق به چند نفر بود به صورت کلی محصور بود و چیزی که حدود زمین‌ها رو مشخص می‌کرد، خط مرزی بود که بین زمین‌ها وجود داشت و هنوز بعد از چند دهه همچنان این خط مرزها وجود داره. اطراف منازل حصار چوبی یا گل وجود داشت؛ نه به صورت امروزی که ارتفاع بلندی داره. دیوارهای گلی کوتاه بود؛ به صورتی که حیاط منازل از بیرون کاملاً قابل رؤیت بود و زن‌ها و مردها در مقایسه با امروز، پوشش‌های کامل‌تری داشتن و حتی داخل حیاط هم بحث حیا و پوشش کاملاً مطرح بود.»

حاج حسین با طرح تقسیم‌کار، مسئله اختلافات احتمالی را برجسته کرد و گفت: «از زمانی که مردم کشاورزی رو شروع کردن و تقسیم‌کار به وجود اومد، تقسیم زمین‌های کشاورزی هم به وجود اومد و مردم معمولاً کنار جاهایی که آب وجود داشت، زندگی تشکیل دادن و با تقسیم‌کار، کم‌کم برای اینکه مشکلی برای محدوده کاشت و زمین زندگی و دام هاشون به وجود نیاد و برای رفع اختلافاتی که احیاناً به وجود اومده بود، کم‌کم حصار و حصارکشی به وجود اومد.»

در نهایت براساس اسناد و مطالعات انجام‌شده در ارتباط با تاریخ سوادکوه، حصار در گذشته بیشتر برای تعیین حریم زمین کشاورزی و مراقبت از محصول استفاده شده است.

○ مظهر امنیت

بسیاری از انسان‌شناسان و جامعه‌شناسان امنیت را مسئله محوری جوامع و اجتماعات قدیم می‌دانند که در ظهور مظاهر حیات جمعی آن‌ها نقش داشته است. این مسئله در سوادکوه و در مورد حصارکشی هم از ویژگی‌های شاخص بوده است.

غلامحسین هم امنیت و هم ارزش زمین‌ها را مورد توجه قرار داد و معتقد بود: «قطعاً احساس ناامنی نکته اساسی حصارکشیه، اما با ارزش شدن زمین‌ها هم بی‌تأثیر نبود.» یا شخص دیگری اظهار داشت: «از نظر من می‌تونه دلایل زیادی داشته باشه، ولی بیشترین و مهم‌ترینش فکر کنم همین حفظ امنیت بوده.»

با توجه به اینکه امنیت، عامل مهمی در تاریخ اجتماعی و اقتصادی شهرها و روستاها بوده و شواهد نظری هم این مهم را تأیید می‌کند، مضمون امنیت یکی از عوامل اصلی حصارکشی بوده است.

○ نشانه سادگی و فقر حیات روستایی

از دلایل حصار و حصارکشی در این تحقیق می‌توان به مختصات حیات روستایی و شهر سوادکوه در قدیم اشاره کرد که سادگی و تناسب مواد و مصالح با شیوه زندگی مردم بوده است.

اکبر توضیح داد:

«فقر و نداشتن پول کافی که بعضی از خانواده‌ها رو آزار می‌داد و گاهی هم دزدهایی از اطراف محلات وارد می‌شدن و این باعث می‌شد روستایی‌ها برای حفظ اموال و دام و طیور خود اقدام به حصارکشی حیاط و منزلشون کنن.» علی هم گفت: «یادم می‌آد کلاس پنجم بودم. حیاطمون رو برای اولین بار چپر کردیم؛ فکر کنم سال ۱۳۴۷ یا ۱۳۴۸ بود. چپر یعنی با چوب و شاخ و برگ درختان حصار می‌ساختیم. چیزی نبود؛ همه‌ش همین بود.»

شواهد مطالعات نشان از سادگی و فقر حیات روستایی و شیوه زندگی معیشتی و استفاده غالب از مصالح بومی در قدیم، حصار را به ابزاری مناسب تبدیل کرده بود.

• حصارکشی به‌مثابه غلبه ارزش‌های ابزاری مدرن، غریبگی و فردگرایی

امروزه تغییر در شهر و حیات شهری با تغییر در نمادها و نشانگان فیزیکی و معنایی همراه بوده است؛ به‌طوری‌که با رویکرد جامعه‌شناختی بسیاری از مظاهر شهری نمادی از تفاوت، تشخیص، تفکیک و جدایی‌گزینی و همچنین علائمی هستند که بیشتر جنبه مصرف‌نمایشی و تظاهرگونه دارند تا دلالت‌های ارزشی و سنتی. بر این اساس، مضمون حصارکشی به‌مثابه غلبه ارزش‌های ابزاری و فردگرایی تعریف شد.

بر این اساس در این تحقیق و در تقابل به شیوه زیست سنتی، حصارکشی به‌عنوان مظهر غلبه ارزش‌های ابزاری مدرن، غریبگی و فردگرایی با مؤلفه‌هایی نظیر ارزش‌یافتن زمین، مظهر مدرن‌شدگی و تمایز، مظهر عقلانیت، تقسیم‌کار و شخصی‌سازی تعریف حریم، و مظهر آسیب‌شناختی و بدبینی مشخص شده است.

○ نشانه ارزش‌یافتن زمین

تغییر کاربری زمین‌ها از کشاورزی به مسکونی و تقاضای زیاد برای خرید زمین با وجود محدودیت در زمین به‌ویژه در مناطق مسکونی و همچنین وسوسه و تمایل شدید مردم بومی

برای فروش زمین برای متقاضیان دست به نقد غیربومی همه از عواملی است که نشانه ارزش یافتن زمین شده است.

حمید در خصوص ارزش یافتن زمین، نقش تفکیک زمین و استقلال طلبی فرزندان و تقسیم زمین بعد از فوت پدر را عواملی مهم در نظر گرفت و معتقد بود:

«قطعاً احساس ناامنی نکته‌ای اساسیه، اما با ارزش شدن زمین‌ها هم بی‌تأثیر نبود. اصولاً تو گذشته تا بعد از فوت والدین زمین‌ها تقسیم نمی‌شد، اما الان در زمان حیات این اتفاق می‌افته و به تبع اون حصارکشی و تعیین حدود.»

علیرضا گفت:

«در سالیان گذشته توجه خاصی به قیمت زمین و ملک یا خرید و فروش اون وجود نداشته که شروع حصارکشی رو بهش ربط بدیم.»

مطالعات هاروی در اقتصاد سیاسی شهر نشان داد امروزه شهر در چرخش سرمایه‌داری از تولیدی به خرید زمین تغییر یافته و به نوعی، مکان دچار بازنمایی شده است (شارع‌پور، ۱۳۹۴).

○ مظهر مدرن‌شدگی و تمایز

حصار و حصارکشی می‌تواند مظهر مدرن‌شدن، قانون‌گرایی و همچنین ظهور ارزش‌های مدنی جدید با کاهش سطح اعتماد و باورهای اجتماعی باشد که با افزایش مهاجرت، تحرک مکانی و حس تمایز و جدایی‌گزینی همراه باشد.

امیدرضا با پرداختن به مسئله چشم و هم‌چشمی و حریم شخصی عقیده داشت:

«حصارکشی منازل چند دلیل داشت، اما چشم و هم‌چشمی، اهمیت یافتن حریم خصوصی، کسانی که وضع مالی خوبی داشتن، برای تشخیص و ایجاد حریم خصوصی دلایلش.» عضو شورای روستا با پرداختن به نقش شهرداری و الزام و اجبار به گرفتن زمین و رابطه آن با حصار پرداخته و معتقد بود: «شهرداری طرح جاده‌ها رو در مناطق روستایی پایه‌ریزی کرد و حدود منازل رو از حدود مربوط به شهرداری جدا کرد. وقتی شهرداری گفت این قسمت‌ها برای منه، مردم هم از ترس اینکه زمین‌هاشونو شهرداری بگیره، دورشو حصار یا دیوار کشیدن. در واقع وقتی شما در جنگل بکر زندگی کنی حصار معنی نداره؛ چون تقریباً همه چیز متعلق به خودته. وقتی صحبت منافع شخصی می‌شه، تعیین حدود معنی پیدا می‌کنه.»

با رویکردهای انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی، شهرها کانون تغییرات مدرن‌اند و این تغییرات با تفکیک و تمایزهای ساختاری و فرهنگی به جداگزینی اجتماعی می‌انجامد.

○ مظهر عقلانیت، تقسیم‌کار و شخصی‌سازی تعریف حریم

حصار و حصارکشی می‌تواند مظهر عقلانیت، تقسیم‌کار و شخصی‌سازی باشد و موجب تغییر در ساخت و بافت حیات شهری شود. در این خصوص تغییر و تحولات فرایند تکامل شهری هم در شکل‌گیری حصارکشی تأثیرگذار است.

یک معلم ساکن سوادکوه توضیح داد:

«هرکی سعی می‌کرد به خودش متکی باشه و استقلال پیدا کنه؛ جوری‌که با مهاجرت جوون‌ها به شهرهای بزرگ برای اشتغال و برگشت اونا به روستاها، ساخت‌وسازهای جدیدی با تغییراتی نسبت به گذشته اتفاق افتاد؛ یعنی منازل از دیوار چوبی کاه‌گلی و سقف‌ها از حالت تخته‌ای به حلب‌های روغنی و سفید معروف به سیمکا و حصارکشی منازل از پرچین (برگ و ساقه درختان) به دیوارهای کاه‌گلی که هر سال سطح دیوارها با ترکیبی از گل‌های مختلف مرمت می‌شد، تغییر کردند.» یک بنگاه‌دار گفت: «بسیار ارتباط نزدیکی با هم دارن. خب قبل فروختن زمین، فروشنده اولین کاری که می‌کنه تفکیک و مشخص کردن حدود زمینه و در بعضی موارد برای گرون‌ترفروختن حصارکشی می‌کنه.» شخص دیگری بر این باور بود: «در زمان‌های قدیم ملک آن‌چنان ارزش پولی نداشت و برای کسب‌وکار بود. به‌لحاظ اینکه کمتر خریدوفروش از جهت اقتصادی بوده؛ بیشتر برای کشت و کشاورزی و دامداری دادوستد می‌کردن، اما در حال حاضر مالکین باغ‌ها رو خشکوندن تا با قیمت بالا زمین‌هاشونو بفروش و به‌خاطر اینکه زمین‌ها ارزش پیدا کرده و مجبور شدن برای حفظ زمین حصارکشی کنن.»

○ مظهر آسیب‌شناختی و بدبینی

حصار و حصارکشی تنها مشروط و مربوط به معیارهای عقلانی، تقسیم‌کار یا تغییر در نظام ارزش‌ها نیست، بلکه می‌تواند با معیارهای آسیب‌شناختی و مظهر نوعی بدبینی، دنیاگرایی، و دلیلی بر افزایش جرم و کجروی به تصویر کشیده شود.

در این خصوص یکی از مصاحبه‌کنندگان گفت:

«به نظر من کلاً یکی از عوامل غیربومی‌ها هستند؛ چون غیربومی‌ها بین بومی‌ها قرار می‌گیرند، مسئله حصارکشی بیشتر می‌شود. به دلیل اینکه اعتمادی بین اونا نیست و به همدیگه اعتمادی ندارند.»

حمیدرضا با یک نگاه انتقادی بر این باور بود:

«علت القای بد فرهنگ و نابودی آداب این مرزوبوم به واسطه زیاده‌خواهی بعضی‌هاست و همچنین دولت‌ها برای مشغول نگه‌داشتن مردم به امور مادی تا بتونن ملتو از اصل واقعیت دور کنن.»

یکی از پاسخگویان نیز توضیح داد:

«به جرئت می‌گم تا اون لحظه تو محل ما دزدی نشده بود. بعد این ماجراها و این داستان‌ها اولین دزدی هم تو محل اتفاق افتاد. اومدن خونه‌شو خالی کردن و تمام مبل و یخچال و... بردن. ذهنیت مردم از یه چیز ساده مثل حصاره که البته عرف اون زمان نبود. چنان بتنی درست شده بود که انگار طرف گنجی تو خونه‌ش جاسازی کرده. الان هم غیربومی‌ها تأثیر زیادی دارن.»

رویکردهای نظری کوین لینچ در تصور از شهر، مفهوم تولید مکان هنری لوفور، مکان شهر ادوارد سوژا و دیوید هاروی دلالت بر تغییراتی معنایی در شهر و سازه‌های شهری از بعد فضایی و فیزیکی به بعد اجتماعی و فرهنگی است که با تغییر در سبک زندگی مردم، با بی‌اعتمادی و خصوصی‌سازی و مرزبندهای نامرئی خصوصی معین شده است.



نمودار ۱. طرحواره مفهومی دوگانگی نشانه‌شناختی حصار و حصارکشی

بحث و نتیجه‌گیری

مسئله حصار و حصارکشی به موازات حیات بشری، به صور مختلف و با نام‌های گوناگون، تعیین‌کننده مرزها و حریم اجتماعات اولیه است و با مقولاتی نظیر تأمین امنیت اجتماعات محلی، مقابله با مخاطرات طبیعی و انسانی و امنیت روانی انسان‌ها گره خورده است؛ به‌طوری‌که به تدریج از یک سازه صرفاً فیزیکی، به یک پدیده اجتماعی با خاطره جمعی هویت‌بخش تغییر یافته است، اما این پدیده فیزیکی، اجتماعی و بومی به تدریج در شکل‌گیری تصور از شهر و ادراک شهری با برداشت‌ها و تحلیل‌های نشانه‌شناختی متفاوتی همراه شده است. در گذشته و در میان مردم سوادکوه، روند تغییرات بسیار کند و آرام بود و الگوی رایج زندگی به‌صورت زندگی معیشتی، کشاورزی و دامداری با تحرک اجتماعی و جغرافیایی کمتر تعریف شده بود. مداخلات و دست‌درازی‌های برهم‌زننده تعادل زیستی و اجتماعی هم در حداقل ممکن بود؛ بنابراین فرم، محتوا و معنای حصار و حصارکشی در میان آن‌ها با شیوه زندگی و خاطره جمعی آن‌ها پیوند خورده بود، اما از دهه‌های اخیر با تحرک اجتماعی و جغرافیایی و تغییر آهنگ مهاجرت به شهر و ورود صاحبان سرمایه به محیط‌های بکر شهری، فرم، محتوا و معنای حصار و حصارکشی تغییر یافت.

امروزه به دلایلی نظیر ورشکستگی کارخانه‌ها، بیکاری، فروش زمین‌های کشاورزی و ایجاد حصار و دیوارکشی به قطعات کوچک‌تر و تغییر کاربری، فروش زمین، اجرای ناموفق جامع‌سیانت از جنگل‌های شمال کشور، نبود نظارت و مسئولیت اخلاقی و نبود حصار مطمئن بر اراضی منابع طبیعی موجب شده تا شاهد تغییرات عمده در شیوه زیست مردم سوادکوه باشیم. از این‌رو هم‌زمانی این تغییرات با هجوم بی‌رویه خوش‌نشینان شهری مانند آفرودسواران، سبب برهم‌زدن تعادل زیستی و معنایی زندگی در سوادکوه شدند. تغییر در نشانگان و معنای حصار و حصارکشی چه در فرم، چه در محتوا و چه در معنا و نشانه، بازنمایی از تغییرات اساسی در شهر سوادکوه بوده و درنهایت اینکه مفهوم حصار و حصارکشی با رویکرد نشانه‌شناختی بر دوگانگی معنایی دلالت دارد و با تغییراتی در شیوه تصور از شهر و زندگی شهری با مضامین حصارکشی به‌مثابه شیوه زیست سنتی و هویت‌بخش و حصارکشی به‌مثابه غلبه عقلانیت ابزاری، غریبگی و فردگرایی برساخت شد.

یافته‌های این تحقیق به لحاظ نظری، همسو با رویکردهای نظری هنری لوفور، سوژا، هاوری و همچنین با رویکردهای نظری لینچ در تصور از شهر است. همچنین نتایج این پژوهش همسو با بخشی از مطالعات سلطانی و مزینی (۱۳۸۸) به لحاظ وجه کارکردی و امنیتی حصار و غیرهمسو با مطالعات جلالیان و همکاران (۱۳۹۴) است. یافته‌های این تحقیق با مطالعات مورتن (۲۰۱۹) نیز همسو است. وجه اشتراک یافته این تحقیق با یافته‌های جامعه‌شناسان پسامارکسیست نظیر لوفور، سوژا و دیگران در توجه به وجه نشانه‌شناختی و دوگانه‌ساز حصار و حصارکشی است؛ کمالینکه سوژا با طرح مفهوم تریاکلتیک به جای دیالکتیک، معتقد است در دنیای امروزه شهری، نابرابری در تولید و مناسبات تولیدی جای خود را به نابرابری فضایی و مکانی و نابرابری در نمادها داده است، اما وجه افتراق این مقاله، تأکید هم‌زمان بر بعد کارکردی و اصالت حصار و حصارکشی است که با حافظه تاریخی مردم مناطق شمالی ایران عجین شده است.

در این تحقیق سعی شد به شیوه نوآورانه و با تأکید بر بعد ذهنی و تصور از نشانه‌ها و نمادهای شهری، به دوگانگی‌ها هویت‌ساز توجه و نابرابری را از اقتصاد متوجه فضا و فرهنگ کنیم. پیشنهاد می‌شود: ۱. مسئولان و سیاست‌گذاران شهری در مدیریت شهری به‌ویژه در سوادکوه به نقش و حضور عناصر فضایی تمایزبخش توجه و به جایگزینی عناصر و مؤلفه‌های هویت‌بخش و اعتمادساز فرهنگی تمرکز کنند؛ ۲. به تفاوت‌های فرهنگی و دوگانگی هویتی تأثیرگذار در فضا توجه شود تا از آسیب‌های اجتماعی ناشی از دوگانگی‌ها کم شود؛ ۳. عناصر بومی در اولویت قرار گیرند و در مدیریت شهری با عناصری که آلودگی بصری و ناهماهنگی شناختی ایجاد می‌کنند، مقابله شود.

منابع

- باوند سوادکوهی، احمد (۱۳۹۷)، *سوادکوه میراث‌دار تبار کهن*، تهران: نشر رسانش نوین.
- پهلوان، کیوان (۱۳۸۲)، *فرهنگ مردم آلاشت و سوادکوه*، تهران: نشر آرون.
- حبیبی، سیدمحسن (۱۳۹۷)، *از شار تا شهر، تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن*، چاپ هجدهم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- جلالیان، سارا، حبیب، فرح و ذاکر حقیقی، کیانوش (۱۳۹۶)، *واکوی نقش حصار و دروازه در امنیت بخشی به مجتمع‌های مسکونی، نمونه موردی: مجتمع‌های مسکونی شهر همدان، معماری و شهرسازی آرمان‌شهر*، شماره ۲۱: ۱۳۹-۱۴۸.

حصاری، مرتضی (۱۳۹۲)، کاوش چینه‌نگاری معین‌آباد، شهرستان پیشوا، استان تهران، شهرک روستایی سازی اولیه در شرق دشت ری، مرکز فلات ایران، گزارش‌های سیزدهمین کنفرانس سالانه باستان‌شناسی ایران.

سخاوت‌دوست، نوشین و البرزی، فریبا (۱۳۹۸)، بازتاب نقش نشانه‌شناختی در فرایند گذر از فضا به مکان در مجموعه تاریخی سعدالسلطنه قزوین، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهری، شماره ۳۲: ۳۶-۴۷.

سلطانی، علی و مزینی، سمانه (۱۳۸۸)، بررسی نقش محله‌های دروازه‌دار در ارتقای احساس امنیت ساکنین (مطالعه موردی: شهر شیراز)، فصلنامه علمی-پژوهشی انتظام اجتماعی، سال اول، شماره ۲: ۷-۳۲.

شارع‌پور، محمود (۱۳۹۴)، جامعه‌شناسی شهری، چاپ هشتم، تهران: انتشارات سمت. شیبانی، ملیحه و ابطحی، سید حمید (۱۳۹۹)، شناسایی موانع مشارکت اشخاص حقیقی و حقوقی در مدیریت شهری تهران: یک تحلیل محتوای کیفی، فصلنامه علمی-پژوهشی توسعه محلی (روستایی و شهری)، دوره دوازدهم، شماره ۲: ۶۴۳-۶۶۵.

کولاییان، درویشعلی (۲۶ خرداد ۱۳۹۲)، شوپه در مازندران، برگرفته از: www.mazandnume.com/fullcontent/15537

گودرزی، فرهاد (۱۳۹۷)، نقش و جایگاه همیاران طبیعت در مدیریت منابع طبیعی، تهران: نشر عصرنوبین. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸)، تجدد و تشخیص؛ جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نی.

علی‌نژاد، منوچهر و مرشدی، ابوالفضل (۱۴۰۰)، فاصله اجتماعی و خصیصه اقتصادی سنجش رابطه فاصله اجتماعی و خصیصه اقتصادی در نگرش گردشگران و کسبه مقیم یزد به یزدی‌ها، نشریه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره دهم، شماره ۲: ۴۴۷-۴۶۹.

محمدپور، احمد (۱۳۸۹)، ضد روش منطق و طرح روش‌شناسی کیفی، جلد اول، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

محمدی، مهدی (۱۳۹۶). طرح جدید مرزبندی زمین‌های کشاورزی با ابتکار یک شرکت مازندرانی، برگرفته از: www.isna.ir/news/mazandaran-49394

مختاباد، سید مصطفی؛ محمدی‌ارزاده، سجاد و شمس‌الهی، بهنوش (۱۳۸۸)، جستاری بر انسان‌شناسی/نشانه‌شناسی شهری و نقش آن در خوانایی فضاهای شهری (مورد کاوی: شهر اصفهان) مجله جامعه‌شناسی معاصر، سال اول، شماره ۴: ۳۱-۶۹.

ملک شه میرزادی، صادق (۱۳۹۱)، *پیش از تاریخ ایران (باستان‌شناسی ایران از آغاز تا طلوع شهرنشینی)*، چاپ: اول، تهران: انتشارات سبحان نور.

موسویان، سیدجلال (۱۳۷۱)، *جستاری در جغرافیای سوادکوه*، تهران: نشر مؤسسه بهشاد.

مهدوی، جلیل (۱۳۹۱)، *تاریخ و جغرافیای لُغور*، قائم‌شهر: نشر علمی یسنا.

نجف‌زاده بارفروش، محمدباقر (۱۳۶۸)، *واژه‌نامه مازندرانی*، نیشاپور: نشر بلخ.

Blakely, E. J., & Snyder, M. G. (1997). *Fortress America: gated communities in the United States*. Brookings Institution Press.

Baehr, V. (2018). *Fences: Physical and Socio-Cultural Boundaries*. Retrieved from https://digitalcommons.bard.edu/senproj_f2018/51

Kim, S. K. (2006). *The gated community: Residents' crime experience and perception of safety behind gates and fences in the urban area*. Texas A&M University.

Murton, G. (2019). Facing the fence: The production and performance of a Himalayan border in global contexts. *Political Geography*, 72, 31-42.